

تیک تاک تهدید رستاخیز هسته‌ای



■ سایمون تیسدال*
گاردین - ۱۰ آگوست ۲۰۲۵

بمب‌های هسته‌ای، تهدید مرگبار آنها تاریخ تاریک‌شان و گسترش آینده‌شان - دوباره در صدر اخبار قرار گرفته‌اند و همانطور که معمول است، اخبار نگران‌کننده و نزدیک به ناامید‌کنندگی هستند. تصمیم اخیر روسیه برای اعلام کناره‌گیری از پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد ۱۹۸۷ (INF) که موشک‌های هسته‌ای میان‌برد و کوتاه‌برد را ممنوع می‌کرد، تکمیل تخریب یکی از ستون‌های کلیدی کنترل تسلیحات جهانی است. این موضوع مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای که هم‌اکنون در اروپا و آسیا به شدت اوج گرفته را سرعت می‌بخشد؛ در شرایطی که رهبران آمریکا و روسیه همچون کودکان مدرسه‌ای همدیگر را به تمسخر می‌گیرند.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در طول جنگ در اوکراین بارها غرب را با تسلیحات هسته‌ای تهدید کرده است. در نوامبر گذشته، نیروهای روسیه موشک فراصوت میان‌برد اورشلیک خود را که قابلیت هسته‌ای دارد، به سمت دنیپرو شلیک کردند. این موشک «مانند شهاب‌سنگ» با سرعت ۱۰ برابر سرعت صوت حرکت می‌کند و می‌تواند به هر شهری در اروپا برسد، پوتین به آن افتخار کرده، چیزی که اگر درست باشد، نقض واضح پیمان INF است. مسکو تصمیم به ترک پیمان را به اقدامات خصمانه ناتو نسبت می‌دهد، اما از مدت‌ها پیش در عمل، به ویژه با استقرار موشک‌ها در کالینینگراد، برون‌مرز روسیه در دریای بالتیک و بلاروس از پیمان عبور کرده است.

با این حال، روسیه درباره ناتو نکته‌ای را مطرح می‌کند. دونالد ترامپ اولین کسی بود که در سال ۲۰۱۸ پیمان INF را کنار گذاشت. افزایش عظیم موشک‌های هسته‌ای عمدتاً تولید آمریکا، بر تانگرو، هواپیماها و بمب‌ها در کشورهای عضو ناتو در اروپا، به‌درستی مسکورا نگران کرده است. این موضوع باید اروپایی‌ها را هم نگران کند. در دهه ۱۹۸۰، استقرار موشک‌های پرشینگ و کروزر آمریکا اعتراضات پرشوری در سراسر قاره به راه انداخت. در مقابل، امروز تیک‌تاک تهدیدآمیز ساعت رستاخیز که به نزدیک‌ترین فاصله به فاجعه، یعنی ۸۹ ثانیه به نیمه‌شب رسیده، بیشتر با سکوت مرعوز همراه است. ادعای نمایشی ترامپ در هفته گذشته درباره نزدیک‌تر کردن زیردریایی‌های هسته‌ای آمریکا به روسیه، در واکنش به تهدیدات خام‌دینتری مودف، رئیس‌جمهور سابق روسیه که به عنوان دست‌نشانده مشهور پوتین شناخته می‌شود، مطرح شد. این لحن‌های هولناک دیگر بود، اما این مناقشه کودکانه می‌تواند هدف مفیدی داشته باشد،



۹ کشور دارای سلاح هسته‌ای؛ بریتانیا، چین، فرانسه، هند، اسرائیل، کره شمالی، پاکستان، روسیه و آمریکا، سال گذشته ۱۰۰/۲ میلیارد دلار. یعنی ۳ هزار و ۱۶۹ دلار در هر ثانیه، برای تسلیحات هسته‌ای هزینه کرده‌اند و برای اولین بار از زمان جنگ سرد، اروپا، آسیا و خاورمیانه در حال تبدیل شدن به میدان‌های بالقوه نبرد هسته‌ای هستند



● **پرونده**
ترجمه: زهراسادات آفرینی

■ **جولیان زلیزر**

از مک‌کارتی تا ماگا (MAGA) و حالا پرونده جفری اپستین مسائلی هستند که جناح راست را درگیر کردند. دونالد ترامپ دو هفته تلاش کرد تا خودش را از رسوایی که با عنوان «پرونده اپستین» شناخته شده، بیرون بکشد. اتهاماتی مبنی بر وجود یک توطئه میان مقامات عالی‌رتبه دولتی، دموکرات‌ها و سرمایه‌داران ثروتمند برای پنهان کردن حقیقت مرگ جفری اپستین و سرپوش گذاشتن بر قهرست افراد سرشناسی که در قاچاق جنسی و کودک‌آزاری او نقش داشته‌اند، سال‌هاست که موضوعی اصلی در محافل حامی ترامپ و جنبش ماگا بوده است. زمانی که مشخص شد، ترامپ سعی دارد جلوی انتشار این پرونده‌ها را بگیرد تا جایی که وجود موضوعی مهم که ارزش افشاشدن را داشته باشد را هم انکار کرد، بخش‌های زیادی از حامیان ماگا علیه او موضع گرفتند. تنش‌ها به قدری بالا گرفت که ترامپ، هوادارانش را «احمق» و «نادان» خطاب کرد. در همین راستا، مایک جانسون رئیس مجلس نمایندگان هم تعلیلات تابستانی کنگره را زودتر آغاز کرد تا دموکرات‌ها نتوانند لایحه‌ای برای اجبار وزارت دادگستری به افشای اطلاعات تصویب کنند. ابعاد این ماجرا همچنان ره به گسترش است و به نظر می‌رسد که ترامپ با توسل به بازی‌های سیاسی و فشار بر جمهوری‌خواهان کنگره بتواند از این بحران جان سالم به در می‌د. صرف‌نظر از نتیجه، سوایی «پرونده اپستین»، یکی از سخت‌ترین چالش‌های سیاسی داخلی ترامپ و یس‌داور قدرت سیاست‌های توطئه‌محور جناح راست درون حزب جمهوری‌خواه است.



با وجود اینکه ترامپ با استفاده از سبک تئوری توطئه به قدرت رسید، ولی حالا متوجه‌شده‌است که نمی‌تواند به‌راحتی آن را کنترل کند و همان هوادارانی که روزی او را «نجات‌دهنده» می‌دیدند، امروز او را به‌دلیل ماجرای اپستین زیر سؤال می‌برند



■ **قدرت پارانوئید در تاریخ آمریکا**

بسیاری تحلیلگران، رواج «گفتمان توطئه» در حزب جمهوری‌خواه را به ترامپ نسبت می‌دهند، اما این پدیده ریشه‌ای عمیق در تاریخ جناح راست آمریکا دارد. برای درک اینکه این موضوع چقدر در جریان‌های سیاست محافظه‌کارانه نفوذ کرده، باید از یکی از دقیق‌ترین مورخان این پدیده شروع کنیم، یعنی ریچارد هافستادر. در نوامبر ۱۹۶۴، همان ماهی که بری گلدواتر در کتابش «مردان و حشرات» به بررسی سنااتور جمهوری خواه سابق می‌پردازد، می‌نویسد: «تاریخ آمریکا سبکی از سیاست رواج داشته که مشخصه‌اش «غراق‌های داغ، بدگمانی شدید و خیال‌پردازی‌های توطئه‌آمیز» است. هافستادر تاریخ‌دار در این سبک، دشمن چهره‌ای کاملاً مشخص دارد: «موجودی پلید، قدرتمند، بی‌اخلاق که همه‌جا حاضر است. این دشمن بی‌رحم و لذت‌جو است. کسی که از پارانوئیدسخن می‌گوید، سرنوش توطئه را آخرالزمانی توصیف می‌کند. در ذهن او با توطئه‌ها سرنوش ت کل دنیا، نظم‌های سیاسی و ارزش‌های انسانی تعیین می‌شود. او همیشه در «تخت‌دنده» می‌دیند. امروز او در بزنگاه تاریخی زندگی می‌کند. دشمن، رسانه‌ها را کنترل می‌کند، بی‌نهایت پول دارد و در نسخه گسترش یافته ساختار آموزش کشور را هم در قبضه قدرت خود نگه داشته

به صدا درمی‌آورد؟ همه چیز دوباره اتفاق می‌افتد، فقط این بار بدتر است و همه هدف هستند. بمب‌های هسته‌ای اگر کنترل نشود، بسیار قدرتمند امروز می‌توانند کره زمین را به یک میدان کشتار جهانی تبدیل کنند. مراسم هفته گذشته به مناسبت هشتادمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی یاد هم به عنوان هشدار و هم یادآوری دیده شد.

ساخت و توسعه تسلیحات هسته‌ای در اروپا با سرعت ادامه دارد. آمریکا هم‌اکنون بمب‌های هسته‌ای را در آلمان، بلژیک، هلند، ایتالیا و ترکیه ذخیره می‌کند. حالا بریتانیا هم امکاناتی ارائه کرده و در حال خرید جنگنده‌های مجهز به قابلیت هسته‌ای است. آلمان سال آینده میزان موشک‌های کروزر تاماهاک و موشک‌های فراصوت خواهد بود. آمریکا پایگاه‌های موشکی خود را در لهستان و رومانی گسترش می‌دهد.

کشورهای ناتو مثل آلمان‌ارک و نروژ نیز در تمرین‌های موشکی شرکت کرده‌اند که مثلاً هدف آنها «کنترل» در پای بالتیک است. روس‌ها اینها به نام دفاع از خود، عمدتاً در مقابل توطئه پوتین توجیه می‌شود. همچنین تصمیم ناتو در ماه ژوئن برای افزایش بودجه‌های دفاع ملی به ۵ درصد تولید داخلی داخلی است. وضعیت جهانی هم کمتر نگران‌کننده نیست. ۹ کشور دارای سلاح هسته‌ای بریتانیا، چین، فرانسه، هند، اسرائیل، کره شمالی، پاکستان، روسیه و آمریکا سال گذشته ۱۰۰/۲ میلیارد دلار، یعنی ۳ هزار و ۱۶۹ دلار در هر ثانیه،

است. این نگاه معمولاً از داوری‌های قابل دفاع شروع می‌شود، ولی خیلی سریع به نتیجه‌گیری‌های اغراق‌آمیز و غیرقابل دفاع می‌رسد.

■ **پارانوئید در متن جریان محافظه کاری**

هافستادر در مقاله‌اش پس از مروری بر توطئه‌هایی چون «روشن‌فکران ضدمسیح» در دهه ۱۷۹۰ و ضد کاتولیک‌گرایی در قرن ۱۹، به دوران خودش، یعنی جنگ سرد می‌رسد. او در دهه ۱۹۵۰ و در اوج مک‌کارتیسم دید که چگونه تفکر مبتنی بر توطئه، جناح راست را تسخیر کرده است. سناتور جوزف مک‌کاری و گروه‌هایی مثل John Birch Society، با تکیه بر ترس و خشم، حمایت عمومی را جلب کردند. تاکتیک اصلی‌شان این بود که تکه‌هایی از حقیقت را گرفته و براساس آن داستان‌هایی ers (هارپرز) منتشر کرد با عنوان «سبک پارانوئید در سیاست امریکایی» نوشت که در تاریخ آمریکا سبکی از سیاست رواج داشته که مشخصه‌اش «غراق‌های داغ، بدگمانی شدید و خیال‌پردازی‌های توطئه‌آمیز» است. هافستادر تاریخ‌دار در این سبک، دشمن چهره‌ای کاملاً مشخص دارد: «موجودی پلید، قدرتمند، بی‌اخلاق که همه‌جا حاضر است. این دشمن بی‌رحم و لذت‌جو است. کسی که از پارانوئیدسخن می‌گوید، سرنوش توطئه را آخرالزمانی توصیف می‌کند. در ذهن او با توطئه‌ها سرنوش ت کل دنیا، نظم‌های سیاسی و ارزش‌های انسانی تعیین می‌شود. او همیشه در «تخت‌مدن» ایستاده و باور دارد در بزنگاه تاریخی زندگی می‌کند. دشمن، رسانه‌ها را کنترل می‌کند، بی‌نهایت پول دارد و در نسخه گسترش یافته ساختار آموزش کشور را هم در قبضه قدرت خود نگه داشته

■ **رئیس‌جمهوری که با توهم قدرت گرفت**

ترامپ وقتی وارد سیاست ملی شد، با تئوری توطئه «بر که تولد اواما» شروع کرد و بر

حسن نیت» به تدریج خلع سلاح کنند، اما به جای آن، سریعاً در حال بازسازی تسلیحات خود هستند. سیستم‌های غیرانسانی مبتنی بر هوش مصنوعی ممکن است خطر آرم‌گدون تصادفی را افزایش دهند. دولت‌های سرکش مانند اسرائیل و کره شمالی مرزها را مرتباً به چالش می‌کشند. بی‌احتیاطی ترامپ و روان‌پریشی پوتین حس زندگی در یک میدان تیراندازی جهانی را افزایش می‌دهد. البته این می‌توانست کاملاً متفاوت باشد. در ژوئن ۱۹۴۵، گروهی از فیزیکدان هسته‌ای کلاهنگ‌شیکاگو

به رهبری جیمز فرانک به رئیس‌جمهور هری ترومن گفتند که حمله اتمی بدون اعلام قبلی به ژاپن «غیرعقلانه» است. آنها جنگ سرد، اروپا، آسیا و خاورمیانه در حال تبدیل شدن به میدان‌های بالقوه نبرد هسته‌ای هستند، با این تفاوت که اکنون بمب‌ها و موشک‌های اتمی نه به عنوان بازدارنده، بلکه به عنوان سلاح‌های تهاجمی سال ۲۰۲۱ به روسیه دیده می‌شوند. گسترش کلاهک‌های هسته‌ای تاکتیکی با قدرت کمتر ظاهراً جنگ هسته‌ای «محدود» را ممکن می‌کند. به محض عبور از آن خط قرمز، واکنش زنجیره‌ای غیرقابل توقفی ممکن است رخ دهد.

روپاشی توافقنامه‌های کنترل تسلیحات - پیمان جدید کاهش تسلیحات استراتژیک (New Start) بعدی است که در فوریه ۲۰۲۶ منقضی می‌شود - شبکه‌های ایمنی را از بین می‌برد. امضاکنندگان پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موظفند «با

سنیتی‌دیرینه در حزب جمهوری‌خواه سوار شد، اما تفاوتش این بود که او رئیس‌جمهور شد، در حالی که رؤسای جمهوری قبلی مثل آیزنهاور تلاش می‌کردند افراطی‌ها را مهار کنند، ترامپ برعکس عمل کرد. می‌توان گفت که او به نوعی، نظریه‌های توطئه را در آغوش کشید: دروغ‌های دربار قلب در انتخابات ۲۰۲۰ مطرح می‌کرد. او در دوران مرگومیر اظهارنظر می‌کرد و به نظریه‌های توطئه دامن می‌زد. ترامپ حتی در سال ۲۰۲۲ در مارالاگو میزان یکی از هواداران پیترزگیت شد.

با وجود اینکه ترامپ با استفاده از این سبک به قدرت رسید، اکنون متوجه شده که نمی‌تواند به‌راحتی آن را کنترل کند. همان هوادارانی که روزی او را «نجات‌دهنده» می‌دیدند، امروز او را به‌دلیل ماجرای اپستین زیر سؤال می‌برند. در این جهان بی‌ثبات، حتی کسی که اندکی شک کند، خود تبدیل به بخشی از توطئه می‌شود. او همانطور که انتظار می‌رفت، در پاسخ تلاش کرده از مطرح تئوری‌های توطئه تازه، توجه را از خود منحرف کند و ادعا دربار خیان‌ت باراک اوباما در سال هم در همین راستا مطرح شده است. مموکرات‌ها با درک اینکه این رسوایی می‌تواند فرصتی سیاسی باشد، باید با احتیاط عمل کنند. در دنیای سیاست آمیخته به پارانوئید، حتی قهرمانان امروز ممکن است فردا متهم شوند. امریکاست و شرکت‌ها بر خوردار است. راست عمل کرده است.

■ **رئیس‌جمهوری که با توهم قدرت گرفت**

ترامپ وقتی وارد سیاست ملی شد، با تئوری توطئه «بر که تولد اواما» شروع کرد و بر

اخلال تعرفه‌های ترامپی در زنجیره تأمین جهانی

■ **احسان شیخون**

در عرصه سیاست خارجی، جایی که اقتصاد و ژئوپلیتیک به طور جدایی‌ناپذیری در هم تنیده شده‌اند، سیاست‌های تعرفه‌ای ایالات متحده به عنوان یک ابزار برای اعمال فشار بر کشورهایی از پیش ظاهر شده است. اوایل آگوست ۲۰۲۵،

ترامپ تعرفه‌های سنگینی بر واردات از هند اعمال کرد که مستقیماً به دلیل ادامه خرید نفت روسیه از سوی دهلی‌نو بود. این اقدام نه تنها روابط ایالات متحده و هند را به چالش کشیده، بلکه زنجیره تأمین جهانی را دچار اختلال کرده و روابط هند با روسیه را تقویت کرده است. دونالد ترامپ که در ژانویه ۲۰۲۵ برای دومین بار به ریاست‌جمهوری ایالات متحده رسید، وعده داده بود که سیاست‌های تجاری سختگیرانه‌ای را برای کاهش کسری تجاری آمریکا اعمال کند. یکی از اهداف اصلی او، فشار بر کشورهایی بود که با روسیه تجارت می‌کنند، به ویژه در حوزه انرژی. از این رو، هند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت روسیه در تیریس این سیاست قرار گرفت.

چندی پیش، ترامپ تعرفه ۲۵ درصدی بر تمام کالاهای وارداتی از هند اعمال کرد و سپس، این تعرفه را به ۵۰ درصد افزایش داد. این اقدام که به عنوان «تعرفه‌های ثانویه» شناخته می‌شود، برای مجازات هند به دلیل خرید نفت روسیه طراحی شده بود. ترامپ علناً اعلام کرد که هند با خرید نفت روسیه، «جنگ او کران را تأمین مالی می‌کند» این تعرفه‌ها بر بخش‌های کلیدی اقتصاد هند مانند نساجی، جواهرات، قطعات خودرو و داروسازی تأثیر می‌گذارد، در حالی که برخی کالاها مانند گوشی‌های هوشمند و محصولات انرژی تا حدودی معاف شده‌اند.

این سیاست بخشی از استراتژی گسترده‌تر ترامپ برای بازسازی زنجیره تأمین جهانی است. او معتقد است که تعرفه‌ها می‌توانند شرکت‌های آمریکایی را به بازگشت به خاک ایالات متحده تشویق کنند و وابستگی به واردات را کاهش دهند. اما منتقدان می‌گویند این رویکرد می‌تواند به تورم جهانی دامن بزند و روابط دیپلماتیک را مختل کند. در مورد هند، این تعرفه‌ها نه تنها اقتصاد این کشور را تحت فشار قرار داده، بلکه روابط سنتی هند با روسیه را نیز برچسته کرده است.

روابط هند و روسیه ریشه در دوران جنگ سرد دارد. روسیه تأمین‌کننده اصلی تجهیزات نظامی



حیاتی است. در واکنش، روسیه پیشنهاد تولید مشترک تسلیحات از جمله جت‌های جنگنده و سیستم‌های موشکی را داده است. دیدار پیش‌روی پوتین از هند می‌تواند به پیمان‌های انرژی بدون دلار آمریکا منجر شود و جهان چندقطبی را تقویت کند. این اتحاد می‌تواند تأثیرات بلندمدتی داشته باشد. هند که قبلاً به سمت ایالات متحده گرایش داشت (مانند خرید هواپیماهای F-۳۵)، اکنون به سمت جت‌های روسی Su-۵۷ حرکت کرده است. این تغییر نه تنها روابط آمریکا-هند را سرد می‌کند، بلکه زنجیره تأمین نظامی جهانی را نیز تغییر می‌دهد.

■ **هزینه‌ها و فرصت‌های جنگ تعرفه‌های آمریکا و هند**

از نظر اقتصادی، تعرفه‌ها می‌توانند GDP هند را ۰/۳ درصد کاهش دهند. بخش‌های آسیب‌پذیر مانند نساجی ممکن است سفارشات را از دست بدهند و هزینه‌ها افزایش یابند، اما هند می‌تواند با تنوع‌بخشی، مانند افزایش صادرات به اتحادیه اروپا یا آسیای جنوب شرقی مقابله کند. در سطح جهانی، تعرفه‌های ترامپ می‌توانند درآمدهای مالیاتی آمریکا را ۱۶۵/۶ میلیارد دلار افزایش دهند (۵۴ درصد GDP)، اما به قیمت اختلال در تجارت جهانی. J.P. Morgan هشدار می‌دهد که این سیاست‌ها می‌توانند زنجیره تأمین را مختل کنند و تورم را افزایش دهند.

به هر روی، تعرفه‌های ترامپ علیه هند، زنجیره تأمین جهانی را مختل و روابط هند-روسیه را تقویت کرده است. این سیاست‌ها، در حالی که برای آمریکا منافع کوتاه‌مدت به ارمان می‌آورند، می‌توانند به جهان چندقطبی‌تر منجر شوند، جایی که هند استقلال بیشتری نشان می‌دهد. اگر ترامپ فشار را ادامه دهد، ممکن است شاهد تشدید تنش‌ها باشیم، اما هند با تقویت اتحادهایش می‌تواند این چالش را به فرصت تبدیل کند.



تعرفه‌های ترامپ نه تنها هند را تحت فشار قرار داده، بلکه روابطش با روسیه را نیز مستحکم‌تر و هند اعلام کرده که خرید نفت روسیه را ادامه خواهد داد. زیرا این امر برای امنیت انرژی‌اش حیاتی است